

وهابیت و پارادوکس سلفی‌گری در عصر نوگرایی

محمد مهدوی*

عمران عباسپور**

سید حسین علیاناسب***

چکیده

تحقیق حاضر درصدد است پارادوکس‌های وهابیت درخصوص چالش بزرگی که بین تحفظ به ظواهر و سیره سلف از یک‌سو، و پذیرش پیشرفت‌های بی‌وقفه و اجتناب‌ناپذیر بشری از سوی دیگر، است را تبیین و شواهد این امر را ارائه دهد. پژوهش حاضر در گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و در استنتاج از روش توصیفی - تحلیلی بهره برده است. یافته‌ها حاکی از آن است که تناقض‌ها و ابهامات زیادی در بسیاری از جنبه‌های زندگی اجتماعی و فعالیت‌های اسلامی در عربستان وجود دارد که برخی از آنها عبارتند از: تناقضات گذشته‌گرایی با گذشته‌زدایی، نگرش به جایگاه زن، نگرش به حجاب، برخورد با دستاوردهای تمدن جدید و مواجهه با انتخابات و دموکراسی. ماحصل پژوهش حاضر این است که منشأ همه این پارادوکس‌ها، واپس‌گرایی، انعطاف‌ناپذیری و عقل‌زدایی آیین وهابیت و تأکید بر نقل‌گرایی و مخالفت با مظاهر تمدن جدید و انکار تأویل است که بر نگرش و اصول فکری جریان سلفی‌گری حاکم است.

واژگان کلیدی

وهابیت، سلفی‌گری، نوگرایی، پارادوکس، نقل‌گرایی، انکار تأویل.

mo.mahdavi@tabrizu.ac.ir

o.abaspour@tabrizu.ac.ir

olyanasab@tabrizu.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱/۲۸

*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه تبریز. (نویسنده مسئول)

** استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه تبریز.

*** استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه تبریز.

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۱۵

طرح مسئله

وهابیت، به‌عنوان اندیشه و روشی انحرافی در تفکرات اسلامی شناخته می‌شود که با برداشت‌های نادرست از اسلام پدید آمده و در آغاز تکوین خویش، مبنای وجودی و مشروعیتش بر حمایت از سلفی‌گری بنا شده است. سلفی‌گری آرمان بازگشت به سنت سلف صالح را در سر می‌پروراند؛ لذا هر امر جدیدی (یعنی حتی ظواهر دنیای مدرن) را بدعت در دین قلمداد می‌کند. آنها معتقد هستند که هر عملی که در زمان پیامبر ﷺ وجود نداشته و انجام نمی‌شد، بعداً نیز نباید انجام شود. در این چارچوب برخی از سلفیون همه نوآوری‌ها و دستاوردهای بشری را بدعت و دخالت در کارهای خداوند و عدول از روش صحابه و سلف می‌شمارند.

آنان با استناد به جمله مالک بن انس: «لا یصلح آخرهذه الامه الا بما صلح اولها» (بن نبی، ۱۴۲۰: ۵۰) بر این باورند که در طول قرون، پیام اصیل و کامل الهی، خلوص خود را از دست داده و بدعت‌ها فزونی گرفته، از این رو باید به راه و روش گذشتگان پاک‌کردار بازگشت. علاوه بر آن، فهم متون دینی هم باید به همان روش - نقلی - که در سلف (قرون ثلاثه) مرسوم بود، برگردد. عقل، تنها شاهد است و هیچ سلطه و اختیاری ندارد؛ سلفی‌گری به این معنا که بیانگر تکیه بر میراث فکری است برخی دستاوردهای فکری، سیاسی و علمی جدید مانند «دموکراسی»، «جامعه مدنی» و ... را نپذیرفته، چنین تولیدات فکری و روش‌هایی را «بدعت» دانسته که در میراث اسلامی از آن خبری نبوده و در فضای سیاسی رایج سلف وجود نداشته است. (بن باز، ۱۴۲۰: ۶ / ۳۱۷؛ الوداعی، ۱۴۲۳: ۳۰۳) درحالی‌که عصر حاضر عصر نوگرایی است و نوگرایی برای هماهنگ ساختن نهادهای سنتی با پیشرفت علوم و تمدن جدید تلاش می‌کند و درصدد است قرائتی از دین به‌دست دهد که حتی‌المقدور با مقتضیات عقل بشری، تجدد و حقوق بشر سازگاری بیشتری داشته باشد. (حکمت، ۱۳۷۲: ۲ - ۱) لذا در این مقاله برآنیم به تبیین این مسئله بپردازیم که وهابیت که ادعای سلفی‌گری و پایبندی به سنت گذشته دارند، چقدر در مرحله عمل به گفته خودشان وفادارند.

پیشینه تحقیق

مرور ادبیات پژوهشی، نشان می‌دهد که پیرامون وهابیت و سلفی‌گری و نوگرایی، کتب و مقالات زیادی به رشته تحریر درآمده است و در برخی از این آثار مانند: رفاعی (۱۴۲۰) در کتاب «النصیحه لأخواننا علماء نجد»، رضوی (۱۳۶۸) در کتاب «برگی از جانبات وهابی‌ها»، عابدی (۱۳۹۰) در کتاب «توحید و شرک در نگاه شیعه و وهابیت»، عصیری (۱۳۹۳) در کتاب «شاخ شیطان: نقد و بررسی عقاید فرقه ضاله وهابیت»، علی‌زاده موسوی (۱۳۹۳) در کتاب «سلفی‌گری و وهابیت» و برزگر (۱۳۷۴) در مقاله «تحولات سیاسی - اجتماعی عربستان سعودی» و... به برخی از تناقضات اشاره کرده‌اند. اما درباره موضوع مقاله حاضر به‌طور مشخص پژوهشی مستقل صورت نگرفته است. لذا این مقاله درصدد هست پارادوکس‌های وهابیت در خصوص چالش بزرگی که بین تحفظ به ظواهر و سیره سلف از یک سو، و پذیرش پیشرفت‌های بی‌وقفه و اجتناب ناپذیر بشری از سوی دیگر، است را تبیین و شواهد این امر را ارائه دهد و همین امر نوآوری اصلی این پژوهش است.

معناشناسی واژگان محوری

یک. سلفی‌گری

واژه سلفی از ریشه سلف به‌معنای پیشین است. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۶ / ۳۳۰) به‌باور القوسی، سلفیون کسانی هستند که بر آنچه سلف صالح از سه قرن نخست به آنها پایبندند، ملتزم هستند. (القوسی؛ ۱۴۲۲: ۴۱) در نگاه ابن عثیمین «هرکس بر منهج و روش صحابه، تابعین و اتباع تابعین پایبند باشد، سلفی است». (ابن‌عثیمین، ۱۴۳۴: ۲ / ۴) اصطلاح سلفی با تکیه بر باور ابن‌تیمیه، در دو سده اخیر ظهور و بروز یافته و در عرصه باور و رفتار جمعی از فعالان امت اسلامی مطرح گردید. پافشاری وی به سلف به‌گونه‌ای است که او در شمار پیشوایان سلفی جای گرفته و به ادعای برخی، تنها راه وصول به مذهب سلف پیروی از مذهب ابن‌تیمیه است. (مقبول احمد، ۱۴۱۶: ۶۶۱ - ۶۶۰) ازجمله عناوین و القابی که وهابیان و گروهی از جماعت‌های اسلامی بر خود گذاشته و بر آن افتخار می‌کنند،

عنوان «سلفیه یا سلفی‌گری» است. این عنوان به‌نوبه خود بیانگر یک ایده و روش در برخورد با مسائل دینی است. آنان مدعی‌اند که بر سیره سلف صالح (اصحاب پیامبر ﷺ) رفتار می‌کنند و معتقدند که عقائد اسلامی باید به همان نحو بیان شوند که در عصر صحابه و تابعین مطرح بوده است؛ یعنی عقائد اسلامی را باید از کتاب و سنت فرا گرفت و علما نباید به طرح ادله‌ای غیر از آنچه قرآن در اختیار می‌گذارد، بپردازند. هر آنچه را در کتاب و سنت نیابند، بدعت می‌شمارند و از این‌رو، تنها خود را موحد دانسته، دیگر مسلمانان را در عبادت، مشرک و اهل بدعت می‌انگارند. (بن باز، ۱۴۲۰: ۶ / ۱۹۱؛ الامین، ۲۰۰۷: ۱۲ - ۷؛ ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۲: ۲۹۵؛ مصطفی انیس و دیگران، ۱۳۸۶: ۱ / ۴۴۴) با این توصیف «سلفی کسی است که در احکام شرعی به کتاب و سنت رجوع کند و به غیر آنها رجوع نکند».

معنای اصطلاحی «سلف» در بدعتی ریشه دارد که ابن تیمیه در قرن هفتم ایجاد کرد. دیدگاه سلفیان درباره سلف سبب شده مذهب جدیدی به‌نام سلفی‌گری در قرون اخیر شکل گیرد. سلفیان جدید با استناد به حدیث پیامبر اکرم ﷺ: «خیر الناس قرنی، ثم الذین یلونهم، ثم الذین یلونهم، ثم یجیء أقرام تسبق شهادة أحدهم یمینه و یمینه شهادته؛ بهترین مردم (مردمان) قرن من هستند؛ سپس کسانی که در پی ایشان می‌آیند، سپس دیگرانی که در پس آنان می‌آیند، پس از ایشان، مردمانی می‌آیند که گواهی هریک، سوگندشان و سوگند هر کدام گواهی‌شان را نقش می‌کند». (بخاری، ۱۴۲۲: ۳ / ۱۵۱؛ بن باز، ۱۴۲۰: ۱ / ۲۵۳) این مقدار زمان را، بهترین زمان‌ها می‌دانند، و به آنچه که صحابه و تابعان بر آن بودند، تمسک می‌جویند و به آرا و افکاری که پس از آنان پدید آمده بود، به‌خاطر اینکه اندیشه و عمل اسلامی در طول زمان منحرف شده، اعتنا نمی‌کنند. از این‌رو عملکرد صحابه را به‌عنوان منبع تشریح و آشکارکننده بدعت‌ها می‌پذیرند. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۲۴: محجوب، ۱۳۷۱: ۲۹ / ۵۰۳؛ علیزاده موسوی، ۱۳۹۳: ۱ / ۳۰)

دو. وهابیت

وهابیت، فرقه‌ای از اهل سنت است که در عربستان در اواخر سده دوازدهم و اوائل قرن سیزدهم قمری، در منطقه نجد توسط محمد بن عبدالوهاب تأسیس شد. پیروان این فرقه را وهابی می‌گویند. وهابیان در فروع دین، تابع احمد بن حنبل هستند و بیشتر آنان در شبه‌جزیره عربستان سکونت دارند. پیشوایان فکری این فرقه، ابن تیمیه، ابن قیم و محمد بن عبدالوهاب هستند. (ربانی گلپایگانی، ۱۳۹۲: ۲۹۸)

محمد بن سعود رئیس یکی از قبایل نجد که بر درعیه حاکم بود، پس از پذیرش آیین محمد بن عبدالوهاب و پیمان بستن با او در سال ۱۱۵۷ق، به جنگ با مردم نجد و تصرف نواحی اطراف آن و گسترش این آیین در جزیره‌العرب پرداخت. پس از فتح ریاض، این شهر پایتخت حکومت پادشاهی آل سعود قرار گرفت. این مذهب اکنون در عربستان مذهب رسمی است و فتاوی‌ای علمای آن مذهب از طرف دولت اجرا می‌شود. (الامین، ۲۰۰۷: ۱ / ۹؛ رضوانی، ۱۳۸۸: ۲۰۴)

سه. نوگرایی

نوگرایی واژه جدیدی است که از غرب نشأت گرفته و معادل مدرنیسم است. واژه «مُدرن» به‌معنای «امروزی» و «جدید» به‌کار می‌رود. پس معنای لغوی نوگرایی، یعنی امروزی شدن و نگاه نو به هستی و زندگی آدمی. (باقری بروجردی، ۱۳۸۲: ۳۱)

در اصطلاح نوگرایی، به‌معنای گرایش فکری و رفتاری به پدیده‌های فرهنگی نو و پیشرفته‌تر و کنارگذاشتن برخی از سنت‌های قدیمی است. به‌عبارت‌دیگر نوگرایی، بیان نوعی بینش مبتنی بر اصالت عناصر مدرنیته است و زمینه‌تئوریک و ذهنی تمام اقدامات عملی جوامع را برای تحقق تجدید فراهم می‌آورد. (بشیریه، ۱۳۷۸: ۴)

پس نوگرایی حالت یا شیوه زیستن و اندیشه مدرن در تقابل با دوران پیش‌مدرن است و در مفاهیمی چون برابری، آزادی، عقل‌گرایی، آزادی‌خواهی، فردگرایی و ایمان به ترقی و پیشرفت نامحدود بشری تجلی می‌کند. (افشار کهن، ۱۳۸۳: ۵۵)

ویلیام کائولی نوگرایی را به‌صورت عینی‌تر و براساس ویژگی‌های انضمامی آن چنین تعریف می‌کند: «نوگرایی خود را در تقابل با دوره‌های قبل تعریف می‌کند که «تاریک‌تر هستند»، «عقلانی نیستند»، «دموکراتیک نیستند»، «فاقد مدنیت هستند» و «از لحاظ فنی توسعه یافته نیستند». نوگرایی به این معنا یعنی روزگار پیروزی خرد انسانی

بر باورهای سنتی (اسطوره‌ای، اخلاقی، عاطفی و ...) رشد اندیشه علمی و خردباوری و افزون شدن اعتبار فلسفه نقادانه که همه با سامان‌یابی تولید، تجارت، شکل‌گیری قوانین مبادله و به‌تدریج سلطه جامعه مدنی بر دولت همراهند. (واترز، ۱۳۸۳: ۵۹)

بنابراین ویژگی اصلی نوگرایی، تحوّل دائمی و پویایی است. لذا انسان در جهت هماهنگ ساختن نهادهای سنتی با پیشرفت علوم و تمدن باید از دانش، فناوری و توان تجربی خود برای تولید، بهبود و تغییر محیط خود استفاده کند.

روش پژوهش

با توجه به اهداف و ماهیت تحقیق، پژوهش حاضر در گردآوری اطلاعات از روش کتابخانه‌ای و در استنتاج از روش توصیفی - تحلیلی بهره برده است. در تحقیقات توصیفی - تحلیلی، محقق علاوه بر تصویرسازی آنچه هست، به تشریح و تبیین دلایل چگونگی بودن و چرایی وضعیت مسئله می‌پردازد. در این راستا کلیه اسناد، مدارک و منابع در دسترس و مرتبط با موضوع، (اعم از کتاب و مقالات) به‌طور هدفمند مورد بررسی و تحلیل واقع شده است. در فرایند پژوهش از دو راهبرد خلاصه‌اسناد و مدارک (فرم فیش‌برداری) و تفکر پایان تا آغاز^۱ استفاده شده است. در راهبرد اخیر، پژوهشگر تلاش می‌کند اجرای پژوهش کیفی را در جهت ابتدا تا پایان انجام دهد و در عین حال، در جهت پایان تا آغاز فکر کند تا بتواند یک تحقیق با کیفیت انجام دهد. این شیوه مستلزم آن است که فرد از همان ابتدا درباره تمامیت پروژه تحقیقاتی فکر کند و این تفکر باید قبل از شروع کار به محض صورت‌بندی مسئله پژوهشی و حصول نتیجه انجام شود. (گال و دیگران، ۱۳۸۶: ۲ / ۹۹۳)

یافته‌های پژوهش

سلفی‌گری مکتبی است که دل در گرو گذاشته دارد و می‌کوشد جامعه را به هزار و اندی سال پیش بازگرداند؛ و شعار اصلی آن، مرجعیت سلف در همه امور اجتماعی، دینی و سیاسی جامعه است. (علیزاده موسوی، ۱۳۹۳: ۱ / ۶۳) در مقابل، جهان امروز، عصر فناوری و رشد علمی بشر است و مظاهر تمدن و نوآوری در همه جنبه‌های زندگی بشر به چشم می‌خورد.

چنین وضعیتی، میان مبانی سلفی‌گری و جهان امروز تضادی اساسی پدید آورده است. از یک‌سو، سلفی‌گری به‌شدت گذشته‌گرایی را تشویق و با مظاهر تجدد مخالفت می‌کند، و از سوی دیگر مظاهر تمدن و فناوری همه‌جا را فرا گرفته است. در نتیجه طیف‌هایی از سلفی‌گری با تأثیرپذیری از فضای مدرنیسم و فناوری روز، کاملاً شرایط جدید را پذیرفته و از مواضع اعتقادی - سنتی خود، عقب‌نشینی کرده‌اند. این گروه با الگوبرداری از نظریه‌های توسعه و نوسازی، پای در مسیر غرب گذاشته؛ درحالی‌که گروه‌های افراطی در واکنش به شرایط امروز، همچنان دیدگاه‌های سنتی خود را حفظ کرده و به رویارویی مستقیم و غیرمستقیم با شرایط عصر کنونی پرداخته‌اند. لذا وهابیت با پارادوکسی اساسی روبه‌رو شده است؛ از یک‌طرف مبنای وجودی و مشروعیت‌بخش وهابیت بر حمایت از سلفی‌گری بنا شده است. از طرف دیگر، آنها برای مدرن کردن جامعه دست به اقدامات اصلاحی می‌زنند که با مبانی آنها تعارض دارد.

با وجود رویکرد سلفی‌گری وهابیت، واقعیت این است که در عمل، نه‌تنها به گفته خودشان عمل نمی‌کنند؛ بلکه در موارد فراوانی بین گفتار و رفتار آنها پارادوکس‌هایی هم دیده می‌شود. زیرا آنها در زبان چیزی را بیان می‌کنند و به‌گونه‌ای مطالب را عنوان می‌دارند که کاملاً موجه و قابل قبول جلوه کند، اما در مقام عمل بدون توجه به معیارهای پذیرفته‌شده خودشان، بر پایه گرایش و سلیقه شخصی خودشان عمل می‌کنند.

بزرگ‌ترین نمود این تناقض در مسئله تکفیر به چشم می‌خورد. محمد بن عبدالوهاب و سایر وهابیان با شدت و حدت خاصی بیان می‌کنند که ما هرگز مسلمانان را تکفیر نمی‌کنیم؛ (مالکی، ۲۰۰۴: ۵۰) اما زمانی که پای عمل به میان می‌آید، ورق برمی‌گردد. یعنی به شیوه‌ای، دامنه اسلام را تنگ می‌کنند که این عنوان تنها سزاوار خود ایشان می‌شود. (ابن عبدالوهاب، ۱۴۱۰: ۱۴)

در بسیاری از موارد عقاید و نوع اعمال وهابیون برخلاف قرآن و سنت است و در مواردی نیز سخنان آنان با عقائد و

1. Finish - to - Start.

دیدگاه‌ها و مبانی اعتقادی، فقهی و حدیثی مورد قبول خودشان تناقض دارد که نمونه‌های متعددی از تناقضات نظری و عملی وهابیون قابل استخراج و ارائه است که در این پژوهش به برخی از آنها اشاره می‌شود:

یک. پارادوکس گذشته‌گرایی با گذشته‌زدایی

سلفی‌های وهابی با نسبت دادن خود به اسلام راستین، خودشان را حامی سلف دانسته و مدعی‌اند که به گذشته و تاریخ اهمیت می‌دهند. درحالی‌که آنها در سراسر سرزمین‌های اسلامی از خاورمیانه تا افغانستان به نبرد با تاریخ برخاسته‌اند و آشکارا اقدام به ارزش‌زدایی از اماکن تاریخی و نمادهای دینی می‌کنند. آنها با تخریب مقابر و مساجد و گورستان‌ها، درصد امحای آخرین آثار به‌جامانده از تاریخ و فرهنگ و تمدن اسلامی هستند. (عابدی، ۱۳۹۰: ۵۱) برای آنها قبری که نام و نشان داشته باشد، «نماد شرک» است و باید منهدم شود. (ابن قیم جوزی، ۱۳۹۵: ۱ / ۲۱۰) از این‌رو مقابر بزرگان دینی، آرامگاه‌های اصحاب گرامی پیامبر اکرم ﷺ و پیامبران الهی ﷺ را منهدم می‌کنند، مناره‌های مساجد را فرو می‌ریزند، حسینیه‌ها را نابود می‌کنند و قبرستان‌ها را با بلدوزر با خاک یکسان می‌کنند.

ابن تیمیه و شاگردش ابن قیم اولین کسانی در اسلام بودند که فتوا دادند: «حرام است بر قبور بنایی ساخته شود و واجب است که در صورت داشتن قدرت بر تخریب، آنها را به سرعت تخریب کرد». (سبحانی، ۱۳۸۵: ۲۸)

ابن قیم در این باره می‌گوید: «يجب هدم المشاهد التي بُنيت على القبور، ولا يجوز إبقاؤها بعد القدره على هدمها وإبطالها يوماً واحداً؛ تخریب بناهایی که بر قبور ساخته شده، واجب است، و در صورت داشتن قدرت جایز نیست به همان صورت باقی بمانند». (ابن قیم جوزی، ۱۴۲۸: ۶۶۱) با توجه به این فتوا «محمد بن عبد الوهاب» نیز همین مطلب را بیان کرد. دولت عربستان نیز به تبعیت از این مذهب در ۸ شوال سال ۱۳۴۳ ق دستور داد، تمام بناهای ساخته‌شده بر روی قبور ائمه اطهار ﷺ ویران شود و عملاً هم این کار را کرد و ضریح موجود بر روی قبور بقیع را ویران کردند و تمام بناهای موجود را از بین بردند. (سبحانی، ۱۳۸۵: ۲۸) نخستین اقدامی که از سوی محمد بن عبد الوهاب در تخریب آثار به‌جامانده از عصر اسلامی سر زد، ویران ساختن زیارتگاه‌های صحابه و اولیا در اطراف شهر غُیینه بود که از جمله آنها، تخریب قبر زید بن خطاب بود که با واکنش شدید عالمان و بزرگان زمان خود روبه‌رو شد. به‌دنبال آن، امیر غُیینه به ناچار، شیخ را از شهر بیرون کرد. (عصیری، ۱۳۹۳: ۹۶ - ۹۵) درحالی‌که امام خود آنها و دیگر ائمه اهل سنت، همگی دارای بارگاه هستند؛ هرچند در ظاهر آنها مدعی‌اند که باید این اماکن را نیز تخریب کرد، ولی هرگز به آنها تعرضی نمی‌کنند؛ مقبره‌های «ابن حنبل»، «امام شافعی»، «مالک» و «بوحنیفه» بدون تخریب، سالم مانده‌اند. از این‌رو تناقض رفتاری آنها اینجا خودشان را نشان می‌دهد. البانی در کتاب خود «تحذیر الساجد من اتخاذ القبور» چنین آورده است:

از موارد اسفباری که شاهد آن هستیم گنبد خضرا و بلند مسجد النبی است که بر فراز قبر پیامبر وجود دارد که از قرن‌ها قبل ساخته شده، درحالی‌که سال‌ها قبل می‌بایست تخریب گردد ... واجب است مسجد نبوی به همان شکل سابق خود برگردد و بین مسجد و قبر پیامبر از طرف شمال تا جنوب دیواری کشیده و به‌طوری فاصله ایجاد شود که در مسجد نبوی هیچ چیز خلافی که مؤسس مسجد از آن راضی نیست، دیده نشود. اعتقاد دارم اگر دولت سعودی خود را پشتیبان توحید واقعی می‌داند، باید انجام این کار را بر خود واجب بداند و چه کسی برای انجام این کار از آنها شایسته‌تر؟ (الالبانی، ۲۰۱۵: ۱۶۸)

رفاعی یکی از علمای بزرگ اهل سنت کویت خطاب به علمای وهابی می‌نویسد:

شما به تخریب خانه ام‌المؤمنین، خدیجه کبری، اولین حبیبیه پیامبر ﷺ رضایت دادید و هیچ عکس‌العملی از خود نشان ندادید، با اینکه آن مکان، محل نزول وحی قرآن بود و در برابر این جنایت، سکوت انتخاب کردید و رضایت دادید که آن مکان مقدس به دستشویی و توالت مبدل شود. چرا از خدا نمی‌ترسید و از پیامبر اکرم ﷺ حیا نمی‌کنید؟ (رفاعی، ۱۴۲۰: ۵۹)

رفاعی در ادامه می‌نویسد: «زادگاه رسول اکرم ﷺ را ویران و به محل خرید و فروش حیوانات تبدیل کردید که با

تلاش افراد صالح و خیر، از چنگال وهابی‌ها در آمد و به کتابخانه مکه مکرمه مبدل گردید.» (همان، ۶۰)

آثار باستانی که در اطراف خانه خدا و بر روی زمزم بود، تخریب کرده و در تمام مناطقی که مسلط می‌شدند، آثار صالحین را نابود می‌کردند، و هنگام تخریب طبل می‌زدند و به رقص و آوازخوانی می‌پرداختند. (الامین، ۲۰۰۷: ۲۷)

یکی از کارهایی که توسط وهابیت صورت گرفت و بیانگر گذشته‌زدایی آنها می‌باشد، آتش زدن کتابخانه بزرگ «المکتبه العربیه» بود که متجاوز از شصت هزار عنوان کتاب گران قدر و کم‌نظیر و بیش از چهل هزار نسخه خطی بی‌نظیر که در میان آنها برخی از آثار خطی دوران جاهلیت، یهودیت، کفار قریش و همچنین آثار خطی امیرالمؤمنین علی علیه السلام، ابوبکر، عمر، خالد بن ولید، طارق بن زیاد و برخی دیگر از صحابه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و قرآن کریم به خط «عبدالله بن مسعود» وجود داشت. همچنین در این کتابخانه انواع اسلحه‌های متعلق به رسول خدا صلی الله علیه و آله و نیز بت‌هایی همچون «لات»، «عزی»، «مناة» و «هبل» که هنگام ظهور اسلام مورد پرستش بوده، به‌بهانه وجود کفریات، به آتش کشیده شد. (السعید، ۱۳۹۴: ۱ / ۱۵۸؛ الامین، ۲۰۰۷: ۳۲۴ - ۵۵؛ مرتضی‌العالمی، ۱۴۲۶: ۱ / ۸۱؛ عصیری، ۱۳۹۳: ۱۰۲)

تخریب صدها مسجد در مدینه و مکه که به نوعی یادگار پیامبر صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام و صحابه بود از جمله: چند مسجد که به زمان جنگ خندق برمی‌گردد و مسجد باشکوه بلال که هدف تخریب بلدوزر قرار گرفته است. اینان شقاوت را به جایی رساندند که حتی خانه حضرت خدیجه (مولد فاطمه علیها السلام) را که مدتی مهبط وحی الهی بود، خراب کردند و در جوار آن دستشویی ساختند. (رفاعی، ۱۴۲۰: ۵۹)

این‌گونه اقدامات مخرب و نظایر آن مستقیماً متأثر از فرقه وهابی برگرفته از آموزه‌های محمد بن عبدالوهاب است که قائل به بازگشت اسلام به اصول ناب اولیه خود بود. و از همین منظر است که این مفهوم که تقریباً هر نوع بنای تاریخی بهانه‌ای برای بت‌پرستی است، شکل گرفته و قبایل سعودی با شوق، آن را پذیرفته‌اند. این نفرت از تاریخ جزء لاینفک دیدگاه وهابی است که به تخریب آثار باستانی در اقصی نقاط جهان انجامید. (الامین، ۲۰۰۷: ۵۵)

نکته قابل توجه اینکه این ویرانگری‌های آثار تاریخی اسلامی، در حالی صورت می‌گیرد که رژیم سعودی و وهابیان از آثار یهودیان در مدینه منوره حفاظت و نگهداری می‌کنند؛ و با نصب تابلوهای هشداردهنده، مردم را از نزدیک شدن به آنها باز می‌دارند. یکی از این مناطق منطقه خیبر است که آثار مرتبط با تاریخ یهودیان در آن واقع است. این منطقه تاکنون زیارتگاه یهودیان بوده و آنها برای بازدید از این آثار به آنجا سفر می‌کنند. از دیگر آثار یهودیان پایگاه کعب بن الاشرف که در منطقه السد در شهر مدینه است، همچنان به قوت خود باقی مانده و به‌عنوان منطقه باستانی ثبت شده است. (رضوی، ۱۳۶۸: ۱۱۵)

محمد المسعری با اشاره به تناقض در رفتار وهابیون گفت: «وهابیون بقایا و آثار به‌جا مانده از شهر درعیه عربستان را که سکونت‌گاه اولیه آل سعود است، محفوظ نگاه داشته‌اند و می‌گویند این شرک نیست؛ اما حفظ کردن آثار پیامبر را شرک می‌دانند.» (المسعری، ۱۳۹۶)

دو. پارادوکس در نگرش به جایگاه زن

جایگاه زن و حدمرز حضور او در جامعه، از جمله مسائلی است که مورد افراط و تفریط شدید این جریان گردید. آنچه در عصر حاضر، طرح این مسئله را حساس‌تر و پرجاذبه‌تر ساخته است، برخورد دوگانه سلفی‌های وهابی در برابر این پدیده فرهنگی - اجتماعی است. دولت عربستان از یک‌سو، نگرش غربی به زن را پذیرفته است، لذا با طرح شعارهای فریبنده «آزادی زن» و «دفاع از حقوق زن» داعیه عدالت‌خواهی و ظلم‌ستیزی دارد؛ از سوی دیگر، سخت‌ترین و بیشترین ستم‌ها را بر پیکره زن وارد می‌سازد. زیرا در مسلک وهابیت زن هیچ جایگاهی ندارد و همچون زمان جاهلیت قبل از اسلام، حتی از کوچک‌ترین حقوق یک انسان بی‌بهره است؛ وهابیت از زنان تنها برای استفاده شهوانی و تولیدمثل و یا کار کردن استفاده می‌کنند و کمترین حقوق آنان را ضایع می‌کنند، چنان‌که بر سر حقوق ابتدایی زنان مانند تحصیل مناقشه وجود دارد و حتی زنان در عربستان، اجازه رانندگی در شهر را ندارند. (ابن تیمیه، ۱۴۰۸: ۵ / ۴۴۹؛ بن باز، بی‌تا: ۱۹۲؛ کمسیون دائمی مطالعات علمی و فتوا، بی‌تا: ۱۷ / ۲۴۰) درواقع نوعی نگاهی افراطی به زن وجود دارد که متعلق به جریان افراطی سلفی است؛ و این جریان هیچ‌گونه حضور اجتماعی را برای زن نمی‌پذیرد و فعالیت او را صرفاً در خانه و آن هم به‌مثابه کنیزی برای مرد فرض می‌کند. درحالی‌که قرآن کریم می‌فرماید: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاتًا طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ

بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ هرکس کار شایسته‌ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، درحالی که مؤمن است، او را به حیاتی پاک زنده می‌داریم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می‌دادند، خواهیم داد». (نحل / ۹۷) طبق این آیه، هم مرد و هم زن، دارای احترامند و در پیشگاه خداوند مهربان، یکسان هستند.

ابن تیمیه، از بنیان‌گذاران سلفیه و سرچشمه و منشأ اصلی فرقه وهابیت، در کتاب «الفتاوی الکبری» می‌نویسد: «خلوت کردن با نامحرم، حرام است؛ هرچند آن نامحرم حیوانی همانند میمون باشد، که به آن زن از روی شهوت متمایل شود و یا زن نسبت به او تحریک شود.» (ابن تیمیه، ۱۴۰۸: ۵ / ۴۴۹) آنچه از این متن فهمیده می‌شود این است که از نظر ابن تیمیه گروه زنان، جز شهوت‌رانی فضیلتی ندارند که اگر در خلوتی با نامحرمان روبه‌رو شدند، صددرصد به گناه روی خواهند آورد و دین و ایمان آنان مانع ارتکاب عمل نامشروع نخواهند شد. از این رو وی شخصیت زنان را زیر سؤال برده است.

این نگاه تحقیرآمیز را در فتواهای متعدد مفتیان وهابی می‌توان مشاهده کرد که به برخی از آنها اشاره می‌شود: بن باز در جواب سؤال از رانندگی زنان می‌گوید: «رانندگی برای زنان جایز نیست. چون که رانندگی زنان موجب مفاسد زیادی می‌شود که در شرع باید جلوی این مفاسد را گرفت.» (بن باز، بی‌تا: ۱۹۲) همچنین محمد بن صالح العثیمین در این باره می‌گوید: «جایز نیست؛ چراکه دارای مفاسد زیادی است.» (کمسیون دائمی مطالعات علمی و فتوا، بی‌تا: ۱۷ / ۲۴۰) همچنین در فتوای دیگری می‌گوید: «برداشتن ابرو حرام است؛ زیرا این برداشتنی است که پیامبر ﷺ انجام‌دهنده آن را لعنت کرده است، و آن تغییر خلق خداوند متعال است و تغییر خلق خداوند متعال از عمل شیطان است.» (همان: ۱۳۳)؛ بن باز نیز در این مورد می‌گوید: «ازالة الحاجبين بطلب من الزوج لایجوز؛ لان الرسول ﷺ لعن النامصة و المتنصصة، و النمص هو اخذ شعر الحاجبين؛ زائل کردن موی دو ابرو به درخواست همسر جایز نیست؛ زیرا پیامبر ﷺ نامصه و متنصصه را لعن کرده و «نمص» به معنای چیدن موی دو ابروست.» (بن باز، ۲۰۰۷: ۵ / ۱۱۰)

برداشتن ابروها با وسایل مختلف سپس به کار بردن قلم ابرو و غیره مثل مالیدن بعضی مواد بر پوست، تأثیر زیان‌آوری بر آن خواهد گذاشت؛ چون رنگ‌ها از ترکیبات معدنی سنگینی درست شده‌اند، مثل مس و جیوه، در ترکیبات روغنی مثل روغن کاکائو ذوب می‌شوند؛ همان‌طور که تمام مواد رنگی بعضی از مشتقات نفتی را دارند. و همگی اینها اکسیدهایی گوناگون هستند که به پوست ضرر می‌رسانند. (الجندی، ۱۹۷۹: ۶۲)

رفتن زنان به زیارت قبر رسول خدا ﷺ و سایر قبرها جایز نمی‌باشد. و از این کار نهی شده است. و این کار سنت نیست.^۱ (کمسیون دائمی مطالعات علمی و فتوا، بی‌تا: ۵ / ۳۳۲) زنان حق شرکت در انتخابات و حق رأی ندارند. حتی بسیاری از آنها کارت هویت نداشته، عده کمی که کارت هویت دارند، فقط در موارد معدودی چون بانک و دانشگاه به کارشان می‌آید. طبعاً توانایی رأی دادن ندارند. (الشهاب، ۲۰۱۰: ۱۵۲) تاجایی که زنان، در برخی فتاوا در ردیف حیوانات قرار داده شده‌اند. (باشطح، ۲۰۱۱: ۲۵۰)

درحالی که زنان در کشور عربستان، از هرگونه حق و حقوقی که خداوند و دین اسلام آنها را بهره‌مند ساخته، محروم هستند؛ اما زنان و دختران خاندان سعودی، نه تنها اصول دین اسلام، بلکه آئین وهابیت را هم که به آن ایمان و باور دارند، زیر پا می‌گذارند؛ بسیاری از عکس‌های دختران بی‌حجاب و آرایش کرده مسئولین و بزرگان عربستان، حتی در هنگام رانندگی و ... فضاهای مجازی را پر کرده است. این بیانگر تناقضی آشکار در رفتار و عملکرد خاندان سعودی و علمای وهابی می‌باشد. زیرا با توجیه برخی مواضع متناقض آل سعود با شرع از سوی وهابیت، چنین متصور می‌شود که علمای وهابی، اسلام را تحت انقیاد خواسته‌های خود درآورده‌اند؛ لذا هر وقت ضرورت ایجاب کند، فتوایی در جهت حفظ قدرت حاکمان سعودی صادر می‌کنند. در مقابل دولت نیز به‌ازای استفاده از وهابیت (مشروعیت‌بخشی به حکومت) آنها را از مواهب خود بهره‌مند می‌کنند.

سه. پارادوکس وهابیت در نگرش به حجاب

سیاست‌های دوگانه و همراه با افراط و تفریط‌های مخرب کارگزاران وهابیت در عربستان و جریان لیبرال در خاندان حاکم در

۱. بن باز می‌گوید: «لایجوز للنساء زیارة القبور، لان الرسول ﷺ لعن زائرات القبور، ولاتهن فتنة، وصبرهن قليل، فمن رحمة الله واحسانه ان حرّم علیهن زیارة القبور حتی لایفتن ولایفتن؛ زیارت قبور برای زنان جایز نیست، زیرا پیامبر ﷺ زیارت‌کنندگان قبور را نفرین می‌کند، چون که آنها فتنه‌اند، و صبر آنها کم است. پس از رحمت و خیرخواهی خداوند است که زیارت قبور را بر آنها حرام کرده تا اینکه به فتنه نیافتند و باعث فتنه نباشند.» (بن باز، ۲۰۰۷: ۵ / ۲۵)

عربستان سعودی، همانند بسیاری از موضوعات دیگر، دامن پوشش زنان را نیز گرفته است. نمونه این افراطی‌گری در رابطه با حجاب شرعی را می‌توان در فتوای بن باز مشاهده کرد:

حجاب شرعی به این است که زن تمام بدن خود را از مردان بپوشاند که عبارت باشد از سر و صورت و سینه و پا و دست؛ زیرا تمام این اعضا نسبت به مرد نامحرم عورت به حساب می‌آید، به جهت آنچه که خداوند جل و علا فرمود: (و چون از آنان درخواست چیزی کردید از پشت حجاب بخواهید ...) و نیز فرمود: (و زینت‌هایشان را آشکار نکنند مگر برای شوهران یا پدرانشان ...) و صورت از مهم‌ترین زینت‌ها است، همچنین مو و دست. و ممکن است که زن صورتش را با نقاب بپوشاند و آن وسیله‌ای است که دو چشم یا یکی از آن دو را آشکار می‌کند و صورت پوشیده می‌باشد. (بن باز، ۲۰۰۷: ۵ / ۱۱۴ - ۱۱۳)

اما این افراطی‌گری هیئت امر به معروف و نهی از منکر عربستان، بنا به دلایل مذهبی و سیاسی فقط در شهرهای مدینه و مکه دیده می‌شود؛ ولی آل سعود، اهمیت چندانی به مسائل دینی نمی‌دهند. آنان حجاب را نه یک تکلیف دینی، بلکه مسؤلیتی عرفی و اجتماعی می‌دانند. مظاهر فسق و فجور در میان مقامات ارشد سعودی، از جمله شاه عربستان و دست دادن وی با زنان نامحرم در برخی مراسم، ناشی از این رویکرد است. در حالی که آنها وهابیت را به عنوان مذهب خودشان قبول کرده‌اند.

تناقض‌ها و افراط و تفریط‌های موجود در زمینه حجاب گاهی در محافل افراطی وهابی نیز رسوخ می‌کند؛ به عنوان مثال در حالی که «عبدالرحمن البراک» یکی از مفتیان سعودی در فتوایی افراطی، بی‌حجابی زنان در مقابل یکدیگر و بدون حضور مردان را نیز حرام می‌داند، (تالار گفتگوی بیداری و اندیشه، ۱۳۹۰) «احمد بن قاسم الغامدی» مفتی جوان اهل سنت که سمت‌های مهمی در اداره کل امر به معروف و نهی از منکر نیز دارد، به تازگی فتوای عجیبی درباره حجاب صادر کرده و مدعی شده که آیه و جوب حجاب صرفاً برای حفظ شأن زنان پیامبر نازل شده و عموم مسلمانان را شامل نمی‌شود. (همان)

در فضای عمومی و فرهنگی دو شهر مدینه منوره و مکه مکرمه، زنان حتی باید دست‌ها و صورت خود را نیز بپوشاند و تنها چشم‌های آنها برای دیدن اطراف باز خواهد بود. اما برخلاف فضای سنگین مکه و مدینه، در سایر شهرهای عربستان مقوله حجاب رنگ دیگری به خود می‌گیرد. (پرسمان، ۲۱ فروردین ۱۳۹۲) از این رو پارادوکس گسترده‌ای در شهرهای مختلف عربستان در این زمینه شاهد هستیم. زیرا حفظ حجاب را فقط در حرمین شریفین واجب می‌دانند و در سایر شهرها یا در برنامه‌های صداوسیما دولت عربستان، بی‌حجابی بسیار فراوان است.

رابطه پارادوکسیکال این جریان زمانی ظاهر می‌شود که این آزادی‌های بی‌قیدوبند در مکان‌های خاص که عمدتاً مربوط به شاهزادگان سعودی است، را با فضای کلی این کشور مقایسه می‌کنیم. تمامی این محدودیت‌ها البته منحصر به شهروندان عادی عربستان است و شهروندان درجه یک یا شاهزادگان سعودی هیچ‌یک از این محدودیت‌ها را بر نمی‌تابند. نمونه این موارد را می‌توان در رفتار دختران ولید بن طلال شاهزاده سعودی یا عادل، دختر ملک عبدالله شاه سابق این کشور یا منال رضوان نماینده عربستان در شورای امنیت دید که دو سال قبل بدون حجاب در این شورا حاضر شد و جنجال زیادی را در عربستان سعودی به راه انداخت. (خبرگزاری تسنیم، ۲۳ دی ۱۳۹۴)

چهار. پارادوکس وهابیت در برخورد با دستاوردهای تمدن جدید

وهابیت بدون توجه به عقل و با تکیه به نقل و حدیث، نگاهشان به گذشته است و قصد دارند اندیشه مادیات را به کلی کنار بگذارند؛ تفکر سلفی هر امر جدیدی (یعنی حتی ظواهر دنیای مدرن) را بدعت در دین قلمداد می‌کنند. از سوی دیگر دنیا با پیشرفت و نوآوری‌های علمی فراوانی همراه است. لذا در دنیای عقلانی امروز، وهابیت نمی‌تواند اندیشه خود را از راه منطق و استدلال به افراد جامعه بقبولاند. از همین رو، گروه زیادی از وهابیت، اندیشه‌های جدید و پیشرفت‌های سریع فناوری و نیز ضرورت بهره‌برداری از آنها را درک کرده‌اند. آنان به پویا نبودن اندیشه‌های محمد بن عبدالوهاب و نداشتن جایگاه این نوع اندیشه‌ها در دنیای پیشرفته امروز پی برده‌اند. از این رو، برای فرار از تناقض مذکور، مجبور شدند تا در اندیشه‌های خود بازنگری کنند و بسیاری از ایده‌های ابن عبدالوهاب را کنار بگذارند.

سلفی‌ها با الهام از شرایط و امکانات زندگی زمان پیامبر، اعتقاد دارند که مسلمانان امروز نیز باید به همان شیوه و در سطح امکانات عهد پیامبر زندگی کنند؛ زیرا بیشتر از آن اندازه کفر است. اینان انجام هر امری را که مانع عبادت الهی باشد،

کفر قلمداد می‌کنند. حتی اگر این امر، پیشرفت در زمینه‌های مختلف علمی، نظامی، فرهنگی، اقتصادی و یا برخورداری از نعمت‌های مادی باشد. (بن باز، ۱۴۲۰: ۶ / ۳۱۷؛ کمیون دائمی مطالعات علمی و فتوا، بی تا: ۱۷ / ۲۴۰) آنها علم را سبب سرکشی، طغیان و بی‌نیازی بشر معرفی می‌کنند. براین اساس، علمی که خداوند برای بشر قرار داده، تا سرکشی نکند و دانشی که پیامبر بر هر مسلمانی واجب کرده، همانا دانش آخرت می‌باشد. مسلمانان در درجه اول، بندگان خدا هستند. علم و دانش اندوزی نزد مسلمانان برای نفس علم نیست؛ بلکه آنان از این طریق خودشان را برای آخرت آماده می‌کنند. اینان به قدر کفایت می‌آموزند؛ چراکه یادگیری بیش از ضرورت برای غیرخدا خواهد بود. (عدالت‌نژاد و نظام‌الدینی، ۱۳۹۰: ۱۸۱)

بنابراین این ستیز افراط‌تفریط، در حوزه سیاست، مسائل اجتماعی و مباحث علمی نیز وجود دارد. تا آنجا که در میان فتاوی‌ای عالمان سلفی، گاهی مواردی دیده می‌شود که هر انسانی را بهت‌زده می‌کند؛ فتوایی درباره حرمت استفاده از ثمرات علم و فناوری، مبارزه با نتایج علمی قطعی مانند: کروی بودن زمین یا گردش آن به دور خورشید، که بسیاری از عالمان سلفی، حاضر به پذیرش آن نیستند.

مسئله گردش زمین، به موضوع کشمکش و جدل میان فیزیک‌دانان و مبلغان وهابی در عربستان تبدیل شده است. برخی از مشایخ وهابی، قائل به ثابت بودن زمین هستند و نظریه‌های علمی درباره چرخش زمین را به سبب مغایرت با متون و آموزه‌های وهابی خود، مردود می‌دانند. بن باز، نخستین دانشمند وهابی بود که علیه نظریه‌های علمی درباره گردش زمین به دور خود و خورشید و کروی بودن آن، کتابی با نام *الأدلة النقلية و الحسية علی جریان الشمس و سکون الأرض و امکان الصعود إلى الکواکب* نوشت و این چنین فتوا داد که اعتقاد به دوران یا چرخش زمین باطل است و کسی که به این فرضیه باور داشته باشد، کافر است؛ زیرا این فرضیه با آیات شریفه قرآن کریم مانند: «وَالْجِبَالُ أَوْتَادًا» (نبا، ۷) و «وَاللَّيْلِ الْأَرْضِ كَيْفَ سَطَحَتْ» (غاشیه / ۲۰) و همچنین با احادیث نقل شده از پیامبر اکرم ﷺ که به صراحت جریان شمس را بیان فرموده‌اند، منافات دارد. (بن باز، ۱۳۹۵: ۱۷)

وی در جای دیگر گفته است: «هنگامی که جوان بودم و چشمان قدرتمندی داشتم، با چشمان خودم به خورشید نگاه می‌کردم و حرکت خورشید را می‌دیدم. پس اگر زمین در حال حرکت باشد، چگونه ما آن را حس نمی‌کنیم و در آرامش هستیم؟ پس چگونه کشتی‌های بزرگ در دریاها حرکت می‌کنند و چپ نمی‌شوند». (همان)

عبدالکریم بن صالح الحمید نیز در کتاب *هدایه الحیران فی مسئله الدوران* با دفاع از این فتوا به نقض نظریه چرخش زمین پرداخته و نوشته است: «برخی علوم و فریضه‌ها فاسد و تباه‌گر و ملحدانه است؛ از جمله این اعتقادات، باور به کروی بودن و چرخش زمین است و باور به دوران زمین، خطایی بسیار بزرگ‌تر از نظریه جهش و تکامل انسان از میمون است».^۱ (ابن صالح الحمید، ۱۴۲۴: ۳۳)

ابن عثیمین نیز به معلمان اخطار می‌دهد که از تدریس آن بخش از درس علوم و جغرافیا که از حرکت زمین سخن گفته می‌شود، خودداری کنند؛ چون این مطلب باعث مفسده و گمراهی دانش‌آموزان است. (ابن عثیمین، ۱۴۱۳: ۳ / ۱۵۳)

بر اساس نظر وهابیت، هرگونه استفاده از اتومبیل، هواپیما، دوچرخه، تلفن و تلگراف، تلویزیون، رادیو، ضبط و ده‌ها وسیله دیگر که رهاورد پیشرفت تکنولوژی جدید است، حرام و بدعت است. وهابیت امروز در عمل این احکام را زیرپا نهاده‌اند؛ زیرا نمی‌توانند در دنیای ماشینی امروز از این نوع وسائل استفاده نکنند: «وهابی‌ها تا چندی پیش، دوچرخه را مرکب شیطان می‌دانستند و بدعت می‌شمردند، اما امروزه سوار اتومبیل‌های آخرین مدل هستند. آنها تلفن ساده را بدعت می‌دانستند، اما الآن مدل گوشی‌های مبلغان آنها را ببینید، شاید تا حالا اصلاً یک بار هم دست دوستانتان ندیده باشید». (مکارم شیرازی، ۱۳۸۹: ۷۵ - ۷۰) لذا همه اینها نوعی پارادوکس هستند.

اندیشه‌های سلفی‌گری که برخاسته از واپس‌گرایی، انعطاف‌ناپذیری و عقل‌زدایی آئین وهابیت و تأکید بر نقل‌گرایی و مخالفت آن با مظاهر تمدن جدید غربی و پویا پاسخ‌گو نبودن آن در برابر پیشرفت‌های علمی و تکنولوژی است، سبب گردید که این نوع تفکر در دنیای امروز جایگاهی نداشته باشد؛ حتی در نزد خود وهابیان پذیرفتنی و اجرا شدنی نیست. از این رو، وهابیت، امروز هویتی جدید به خود گرفته که برخاسته از ضرورت‌های اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کنونی است.

۱. کل دلیل من الكتاب والسنة علی دوران الأرض فیه تأویل باطل.

لذا به تبلیغ وهابیت انعطاف‌پذیر پرداختند؛ زیرا به‌نظر آنها، هرگونه نوآوری تکنولوژیک، هرچند در قرآن، آشکارا از آن سخن به‌میان نیامده است، اگر با قرآن ناسازگار نباشد، می‌توان آن را مجاز دانست. (فولیکوف و دیگران، ۱۳۶۷: ۲۰۵ - ۲۰۴)

باین‌حال، وهابیت امروزی تحت فشار حاکمان تفسیر می‌شود، تا بتواند پاسخ‌گوی نیازهای امروز باشد. مثلاً چندین سال پیش، فهد با راه انداختن کنفرانسی از «عقلایی کردن شریعت اسلام» و تطبیق اسلام با نیازهای زندگی مدرن و ضرورت‌های جدید دفاع کرد. این مسئله مورد پذیرش عالمان وهابی نیز قرار گرفت. مسئله‌ای که به‌طور کامل، در تبیین و تضاد با آموزه‌های محمد بن عبدالوهاب و عالمانی مانند: ابن تیمیّه، ابن قیم جوزی و ابن حنبل است. دلیل تحول وهابیت اولیه را باید در ضعف بنیان‌های اولیه و عقل‌ستیزی آن و نیز در ایدئولوژی حکومتی شدن جامعه عربستان سعودی دانست. از این‌رو، آن بخش از آموزه‌های وهابیت مانند: تکنولوژی نظامی و ارتباط با غرب که سبب مزاحمت و بسته شدن دست حاکمان می‌شد، تعدیل گردید. به‌هرحال، به‌علت گسترش وسائل ارتباطی و پیشرفت تکنولوژی، وابستگی دولت‌ها و ملت‌ها در زمینه‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، سیاسی، علمی، و تأثیرپذیری ملت‌ها و دولت‌ها از یکدیگر، بسیاری از آداب و رسوم و باورها دستخوش دگرگونی‌های بنیادین گردیده است و دیگر واپس‌گرایی جاهلی و قرون وسطایی و اندیشه‌های خرافی و جموداندیشی، حرفی برای گفتن ندارد. (آقای، ۱۳۶۸: ۱ / ۴۸ - ۴۱)

از این‌رو، وهابیت امروز ناگزیر است دست‌کم بخشی از آموزه‌های محمد بن عبدالوهاب را که با زور شمشیر و قتل‌عام مردم بی‌گناه بر مردم مسلمان تحمیل کرده بود، نادیده بگیرد؛ زیرا ملت‌ها در این قرن، زندگی مدرن ماشینی را تجربه می‌کنند و حاضر نیستند در برابر واپس‌گرایی محمد بن عبدالوهاب که با هرچیز تازه مانند: تلگراف با سیم یا بی‌سیم، موتور و اتومبیل و هواپیما به‌شدت مخالفت می‌کرد و آنها را بدعت و برخلاف دین می‌انگاشت، سر تعظیم فرود آورند. (برزگر، ۱۳۷۴: ۱۴۴ - ۱۴۰)

پنج. پارادوکس وهابیت در مواجهه با انتخابات و دموکراسی

مکتب وهابیت به‌دلیل گریزان بودن از تعقل، منطقی و به‌دلیل تفکر متحجرانه‌ای که دارند، تعریف درستی از مسائل روز ندارند، و همین امر مانع از تصویرسازی درست از اسلام برای پیروان آنها شده است. و نیز باعث شده که حتی میان پیروان سلفیت نیز دوگانگی‌های فراوانی دیده شود. تناقضات وهابی‌ها آنجا پررنگ‌تر می‌شود که مسائل امروزی و علوم جدید مورد اختلاف مسلمانان قرار گیرد. هزاران علمی که در صدر اسلام وجود نداشته، ولی امروزه از بنیادی‌ترین امور برای اداره حکومت دینی می‌باشد. از جمله این موارد «دموکراسی» است. از همین‌رو برخی از آنان دموکراسی را انکار می‌کنند و اسلام را از مخالفین این ایدئولوژی نام می‌برند و پاره‌ای دیگر، وجود آن را از ضروریات حکومت‌داری به‌شمار می‌آورند. برخی پا را فراتر نهاده و هرگونه جناح‌بندی را مخالف دستورات اسلامی قلمداد می‌کنند. (جمعی از وهابیان، ۱۴۱۸: ۲/۱۰۵۶)

درحالی‌که این استدلال با مبانی قطعی وهابی‌ها در حکومت دینی و سیاسی در تناقض و تضاد کامل قرار دارد. زیرا از دیدگاه وهابیت، دموکراسی کفر است و مخالف کتاب، سنت و اسلام به‌شمار می‌رود و کسی که از آن دفاع کند، کافر است. شیخ مقل بن هادی الوادعی مفتی سرشناس وهابی درباره دموکراسی در کتاب *تحفة المجیب می‌نویسد: «الديمقراطية كفر، لأن معناها الشعب يحكم نفسه بنفسه، معناها لا کتاب ولا سنة ولا إسلام... دموکراسی کفر است؛ زیرا به این معناست که خود مردم برای سرنوشتشان تصمیم می‌گیرند و به این معناست که کتاب، سنت و اسلام در این‌باره نقشی ندارند».* (الوادعی، ۱۴۲۳: ۳۰۳)

نتیجه

وهابیت از نظر مبانی فکری، اعتقادی و فقهی تأکید بر فهم دین از طریق ظواهر نصوص دارد و با روش اجتهاد و روش‌های عقلی مخالف است و جریانی دگم و ایستا و ضداجتهاد و نوآوری است و قدرت تطبیق و همسویی و همگامی از حیث نظری و اعتقادی با مسائل جدید علمی و پیشرفت‌های گوناگون بشری را ندارد؛ لذا آنان هرگز نمی‌توانند میان دو اصطلاح «سلفی‌گری» و «نوگرایی» هیچ‌گونه رابطه همخوانی یا توافق و یا حتی تکامل تصور کنند. پس دچار چالشی بزرگ بین تحفظ به ظواهر و سیره سلف از یک‌سو، و پذیرش پیشرفت‌های بی‌وقفه و اجتناب‌ناپذیر بشری از سوی دیگر، هستند و همه این نوآوری‌ها و دستاوردهای بشری را بدعت و دخالت در کارهای خداوند و عدول از روش صحابه و سلف می‌شمارند.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم.
۲. ابن صالح الحمید، عبدالکریم، ۱۴۲۴ ق، *هدایه الحیران فی مسئله التّوّزان*، عربستان سعودی - ریاض، مطبعة السفير.
۳. ابن عبدالوهاب، محمد، ۱۴۱۰ ق، *کشف الشبهات*، عربستان، وزارت ارشاد.
۴. ابن تیمیة الحرانی، أبی‌العباس تقی‌الدین أحمد بن عبد الحلیم، ۱۴۰۸ ق، *الفتاوی الکبری*، تحقیق تعلیق و تقدیم: محمد عبدالقادر عطا و مصطفی عبدالقادر عطا، لبنان - بیروت، دار الکتب العلمیه، الطبعة الاولى.
۵. ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، ۱۴۲۴ ق، *فتح الباری شرح صحیح البخاری*، تصحیح شاهین محمد عبد السلام، بیروت، دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.
۶. ابن عثیمین، محمد بن صالح، ۱۴۱۳ ق، *مجموع فتاوی و رسائل: فتاوی العقیده*، جمع و ترتیب: فهد بن ناصر بن ابراهیم السلیمان، ریاض، دار الوطن، الطبعة الثانية.
۷. ابن عثیمین، محمد بن صالح، ۱۴۳۴ ق، *فتاوی نور علی الدرب*، الریاض، موسسه الشیخ محمد بن صالح العثیمین الخیریه، الطبعة الاولى.
۸. ابن قیم جوزی، محمد بن ابی‌بکر، ۱۳۹۵ ق، *إغاثة اللهفان من مصائد الشيطان*، بیروت، دار المعرفه، الطبعة الثانية.
۹. ابن قیم جوزی، محمد بن ابی‌بکر، ۱۴۲۸ ق، *زاد المعاد فی هدی خیر العباد*، تحقیق انس محمد شافعی، مصر - قاهره، دارالافاق العربیه.
۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، *لسان العرب*، بیروت، دار الفکر، الطبعة الثالثة.
۱۱. افشارکهن، جواد، ۱۳۸۳، *بازخوانی جامعه‌شناختی سنت‌گرایی و تجددطلبی در ایران بین دو انقلاب*، تهران، انتشارات آوای نور.
۱۲. آقایی، داود، ۱۳۶۸، *سیاست و حکومت در عربستان سعودی*، تهران، نشر کتاب سیاست، ج اول.
۱۳. الألبانی، محمد ناصرالدین، ۲۰۱۵ م، *تحذیر الساجد من اتخاذ القبور مساجد*، بیروت، المكتبة الإسلامی، الطبعة الرابعة.
۱۴. الامین، سید محسن، ۲۰۰۷، *کشف الاریاب فی اتباع محمد بن عبد الوهاب*، قم، مؤسسه دار الكتاب الاسلامی، الطبعة الثانية.
۱۵. باشطح، فوزیه، ۲۰۱۱، *المرأة السعودية بین الفقهی والاجتماعی*، امارات، دار مدارک للنشر، الطبعة الاولى.
۱۶. باقری بروجردی، مهدی، ۱۳۸۲، *سنت و نوگرایی، دو ماهنامه حدیث زندگی*، قم، دار الحدیث، مهر و آبان، ش ۱۳، ص ۳۳ - ۳۰.
۱۷. بخاری، محمد بن اسماعیل، ۱۴۲۲ ق، *صحیح البخاری*، تحقیق محمد زهیر بن ناصر، بیروت، دار طوق النجاة.
۱۸. برزگر، ابراهیم، ۱۳۷۴، «تحوّلات سیاسی - اجتماعی عربستان سعودی»، *فصلنامه خاورمیانه*، مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه، سال دوم، ش ۴، ص ۱۷۲ - ۱۳۱.
۱۹. بشیر، حسن، ۱۳۹۰، *تاریخ فرهنگی سلفیه: از متن‌گرایی تا زمینه‌گرایی*، در کتاب *بنیادگرایی و سلفیه: بازشناسی طیفی از جریان‌های دینی*، حسین هوشنگی و احمد پاکتچی، تهران، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، ج اول.
۲۰. بشیریه، حسین، ۱۳۷۸، *تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم*، تهران، نشر نی.
۲۱. بن باز، عبدالعزیز، ۱۳۹۵ ق، *رسالة الأدلة الثقلية، والحسية على جريان الشمس وسكون الأرض وإمكان الصعود إلى الكواكب*، مکه، لطباعه والاعلام.
۲۲. بن باز، عبدالعزیز، ۱۴۲۰ ق، *مجموع فتاوی ومقالات متنوعه*، تحقیق وچاپ محمد بن سعد الشویعر، ریاض، دار القاسم للنشر.
۲۳. بن باز، عبدالعزیز، ۲۰۰۷ م، *موسوعة امام المسلمین فی القرن العشرين*، بیروت، مؤسسه الریان.
۲۴. بن باز، عبدالعزیز، بی تا، *فتاوی المرأة*، ریاض، دار الوطن.
۲۵. بن نبی، مالک، ۱۴۲۰ ق، *الظاهره القرآنیه*، ترجمه عبد الصبور شاهین، سوریه - دمشق، دارالفکر، الطبعة الثانية.
۲۶. پرسمان، ۱۳۹۲، چهارشنبه ۲۱ فروردین، <https://www.vahabiat.porseman.ir>
۲۷. تالارگفتگوی بیداری اندیشه، ۱۳۹۰، ۲۹ مهر، <http://forum.bidari.ir>
۲۸. جمعی از وهابیان، تحت اشراف دکتر مانع بن حماد الجهنی، ۱۴۱۸ ق، *موسوعه المیسره فی الادیان والمذاهب والاحزاب المعاصره*، ریاض، دارالندوه العالمیه فی الشباب الاسلامی.

۲۹. الجندی، أنور، ۱۹۷۹، *المراه المسلمه فی وجه التحديات*، قاهره، دار الإعتصام.
۳۰. حکمت، علی اصغر، ۱۳۷۲، *تاریخ نهضت‌های دینی - سیاسی معاصر*، تهران، انتشارات بهبهانی.
۳۱. خیرگزاری تسنیم، ۱۳۹۴، ۲۳ دی، <http://www.tasnimnews.com>
۳۲. ربانی گلپایگانی، علی، ۱۳۸۳، *فرق و مذاهب کلامی*، قم، مرکز جهانی علوم اسلامی.
۳۳. رضوانی، علی اصغر، ۱۳۸۸، *سلفی‌گری (وها بیت) و پاسخ به شبهات*، قم، مسجد مقدس جمکران.
۳۴. رضوی، سید مرتضی، ۱۳۶۸، *برگی از جنایات وهابیه‌ها*، ترجمه علی ضیایی، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چ ۱.
۳۵. رفاعی، یوسف بن سید هاشم، ۱۴۲۰ ق، *التصیحة لإخواننا علماء نجد*، با مقدمه دکتر محمد سعید رمضان البوطی، دمشق، دار أقرأ، الطبعة الاولى.
۳۶. سبحانی، جعفر، ۱۳۸۵، *الوها بیه فی المیزان*، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چ سوم.
۳۷. السعید، ناصر، ۱۳۹۴، *تاریخ آل سعود*، ترجمه ابو میثم (وحید)، تهران، انتشارات فراهانی.
۳۸. الشهاب، ملیحه احمد، ۲۰۱۰، *المراه السعودیه صوت و صورته*، لندن، انتشارات طوی، الطبعة الاولى.
۳۹. عابدی، احمد، ۱۳۹۰، *توحید و شرک در نگاه شیعه و وهابیت*، تهران، انتشارات مشعر، چ اول.
۴۰. عدالت‌نژاد، سعید و سید حسین نظام‌الدینی، ۱۳۹۰، «سلفیان تکفیری یا الجهادیون: خاستگاه و اندیشه‌ها»، *فصلنامه*، تهران، فصلنامه تاریخ و تمدن اسلامی، ش ۱۳، ۱۹۴ - ۱۶۵.
۴۱. عصیری، سید مجتبی، ۱۳۹۳، *شاخ شیطان: نقد و بررسی عقاید فرقه ضاله وهابیت*، قم، انتشارات رشید.
۴۲. عزیزاده موسوی، سید مهدی، ۱۳۹۳، *سلفی‌گری و وهابیت*، قم، آوای منجی، چ ششم.
۴۳. فوبلیکوف، در. و دیگران، ۱۳۶۷، *تاریخ معاصر کشورهای عربی*، ترجمه محمدحسین روحانی، تهران، انتشارات توس.
۴۴. القوسی، مفرح بن سلیمان، ۱۴۲۲ ق، *المنهج السلفی*، ریاض، دار الفضیله.
۴۵. کمسیون دائمی مطالعات علمی و فتوا، بی تا، *عربستان سعودی: ریاست عمومی پورتال برای پژوهش‌های علمی و صدور فتوی*.
۴۶. گال، مردیت و دیگران، ۱۳۸۶، *روش تحقیق کمی و کیفی در علوم تربیتی و روانشناسی*، ترجمه احمد رضا نصر و دیگران، تهران، دانشگاه شهید بهشتی و سمت، چاپ ۲.
۴۷. مالکی، حسن بن فرحان، ۲۰۰۴، *داعیا و لیس نبیا*، اردن، مرکز دراسات تاریخی.
۴۸. محجوب، فاطمه، ۱۳۷۱، *الموسوعه الذهبیه للعلوم الاسلامیه*، قاهره، دار الغد العربی.
۴۹. مرتضی‌العاملی، سید جعفر، ۱۴۲۶ ق، *الصحيح من سيره النبي الأعظم صلی الله علیه و آله*، قم، دار الحدیث.
۵۰. المسعری، محمد، ۱۳۹۶، برنامه «حقائق التاریخ»، به گزارش پایگاه شبکه الکوثر.
۵۱. مصطفی‌انیس، ابراهیم، نجار، محمدعلی، حسن الزیاد، احمد، عبدالقادر، حامد، ۱۳۸۶، *المعجم الوسیط*، تهران، مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۵۲. مقبول احمد، صلاح‌الدین، ۱۴۱۶ ق، *دعوه شیخ الاسلام ابن تیمیه و اثرها علی الحركات الاسلامیه المعاصره*، کویت، دار ابن الاثیر، چاپ دوم.
۵۳. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۸۹، *وها بیت بر سر دو راهی*، قم، انتشارات امام علی بن ابی طالب علیه السلام، چ ۱۵.
۵۴. واترز، مالکوم، ۱۳۸۳، *جامعه سنتی و جامعه مدرن: مدرنیته، مفاهیم انتقادی*، ترجمه منصور انصاری، تهران، انتشارات نقش جهان.
۵۵. الوادعی، شیخ مقبل بن هادی، ۱۴۲۳، *تحفة المجیب علی أسئلة الحاضر والغریب*، صنعاء، دار الآثار، الطبعة الثانيه.

الوهابية ومناقضة الاتجاه السلفي في عصر التجديد

محمد مهدوي*

عمران عباسپور**

سيد حسين عليانسب***

ملخص البحث

يهتمّ هذا البحث بتبيين تناقضات الوهابية في مجال معضلة كبري وهي التضاد بين التمسك بظواهر وسيرة السلف من جهة، والأخذ بما تشهده الحياة البشرية من تقدّم وتطور مضطرد، من جهة أخرى مع الإتيان بشواهد علي هذا الأمر. اتبع هذا البحث المنهج المكتبي في جمع المعلومات، كما اتبع المنهج الوصفي - والتحليلي في الاستنتاج. تنمّ المعطيات عن وجود كثير من التناقضات والغوامض في الكثير من من جوانب الحياة الاجتماعية والفعاليات الإسلامية في المملكة العربية السعودية، قسم منها عبارة عن: التناقضات بين الجنوح الي حياة الماضي والميل الي التخلص من الماضي، والنظرة الي مكانة المرأة، والنظرة الي الحجاب، والتعاطي مع معطيات المدنية الحديثة، والموقف من الانتخابات والعمل الديمقراطي. وكانت النتيجة التي توصل اليها هذا البحث هي أن منشأ جميع هذه التناقضات يعود الي رجعية المذهب الوهابي وتزمتته وتصلّبه ورفضه للنزعة العقلية، وتأكيد علي النزعة النقلية ومعارضته لمظاهر المدنية الحديثة، ورفضه للتأويل، وهو الاتجاه السائد علي النظرة والاسس الفكرية لتيار جريان الاتجاه السلفي.

الألفاظ المفتاحية

الوهابية، الاتجاه السلفي، التجديد، التناقض، الاتجاه النقلي، رفض التأويل.

mo.mahdavi@tabrizu.ac.ir

o.abaspour@tabrizu.ac.ir

olyanasab@tabrizu.ac.ir

*. استاذ مساعد في قسم المعارف الإسلامية، جامعة تبريز.

** استاذ مساعد في قسم المعارف الإسلامية، جامعة تبريز.

*** استاذ مساعد في قسم المعارف الإسلامية، جامعة تبريز.